

## روند کشف حجاب و واکنش روحانیان

حمید بصیرت‌منش

از آنجا که "کشف حجاب" زیر پاگذاشتن یکی از احکام مصرح قرآن کریم بود، بارزترین سیاست ضداسلامی حکومت رضاشاه محسوب می‌شد. نحوه برخورد روحانیان با این سیاست، بخش مهمی از کارنامه عملکرد آنان را در دوران سلطنت رضاشاه رقم می‌زند. مخالفت روحانیان با کشف حجاب، که از مهمترین خواستهای غربگرایان در کشورهای اسلامی به‌شمار می‌آمد، امری بدیهی به نظر می‌رسد. علما، به‌عنوان سنگربانان شریعت، همواره خود را موظف می‌دیدند که با طرح و تبلیغ این امر در سطح جامعه برخورد شدید کنند. کشف حجاب، با وجود تمامی توجیهاتی که درباره آن صورت می‌گرفت، از چنان حساسیتی برخوردار بود که طیفهای مختلف روحانیان، با اندیشه‌ها و عملکردهای متفاوت سیاسی، در این قضیه موضعگیری نسبتاً مشابهی داشتند. در دوران رضاشاه در پی از بین رفتن نظم حاکم بر رابطه دین و دولت، شعارهای غربگرایانه برخلاف دوره قاجار از حمایت و پشتیبانی حکومت برخوردار شد.

### گام‌های اولیه

با آغاز سلطنت رضاشاه، تبلیغ در مورد "آزادی زنان" در مطبوعات ادامه یافت و به تدریج از صراحت بیشتری برخوردار شد. نویسندگان تجددمآب در ابتدا چنین وانمود می‌کردند که تجددمآبی مانعی در مقابل دین نیست. چنین ادعایی را بعدها، و حتی پس از رسمیت یافتن کشف حجاب، تعدادی از نشریات تکرار می‌کردند. این امر ناشی از بیم حکومت از پذیرش انگ ضداسلام و نیز واکنش مردمی، به خصوص از ناحیه روحانیان، بود. تجددگرایان از تئاتر و سینما به عنوان ابزاری در جهت ترویج بی‌حجابی سود می‌جستند. در ۱۷ تیر ماه ۱۳۰۵ «جمعیت تمدن نسوان» در صدد برآمد که به بهانه «ترویج معارف و بسط افکار و تهذیب اخلاق و ترقی زنان»، تئاتری با عنوان «تمدن نسوان» به معرض نمایش بگذارد. در لوای این شعارها، عادی‌سازی حضور زنان در مجالس و سست کردن اعتقادات آنان و به خصوص تحریک آنان به بی‌حجابی موردنظر



میرزاهاشم آشتیانی (۱۲۵۴ - ۱۳۰۶)

بود. به دنبال انتشار این خبر، علمای سرشناس تهران، از جمله آیت‌الله سید حسن مدرس، آیت‌الله فیروزآبادی، سید محمد بهبهانی و میرزاهاشم آشتیانی، در نامه‌ای خطاب به رئیس‌الوزراء، مستوفی‌الممالک، خواستار جلوگیری از این نمایش شدند.<sup>۱</sup> تبلیغات در مورد آزادی زنان به تدریج از صراحت بیشتری برخوردار گردید و در برخی از نشریات در این زمینه اشاره‌هایی می‌شد. در سال ۱۳۰۶ در روزنامه‌ی *حبل‌المتین* دلایلی بر وجوب رفع حجاب درج شد.<sup>۲</sup> حمایت دربار از کشف حجاب موجب تشویق غربی‌گرایان می‌شد. ترویج دکلمه و منع چادر نماز از سوی ملکه،<sup>۳</sup> حضور خانواده سلطنتی با وضع زنده در قم در عید نوروز ۱۳۰۷، مسافرت امان‌الله خان افغان به همراه همسرش ثریا به ایران و تعدادی از زنان افغانی که در مهمانیها رعایت حجاب را نمی‌کردند و در بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران عبور کردند، از نشانه‌های گرایش دربار به رفع حجاب و حمایت از آن بود. علاوه بر این، در کلوب ایران تیمورتاش، وزیر دربار، اختلاط زنان و مردان خانواده‌های اشراف امری

۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد کامپیوتری، شماره ۲۹۹۰۰۰۲۱۰.

۲. *حبل‌المتین*، ص ۳۵، ش ۴۶ و ۴۷ (۳۰ آبان ۱۳۰۶).

۳. مهدیقلی هدایت، *خاطرات و خطرات*، بی‌نا، ۱۳۲۹، ص ۵۱۹.



امیرامان‌الله خان پادشاه افغانستان، همسر و همراهان وی هنگام مسافرت به ایران [۱۳۰۷ - ۱۳۰۸]

عادی بود و این اختلاط در خانواده‌های نظامیان و کارمندان رده بالا تشویق می‌شد. در این زمان رضاشاه، مسلماً با توصیهٔ نخعیگان واپسته، آماده بود که کشف حجاب را در ایران اعلام کند، لیکن چند عامل مانع از این اقدام بود: هراس از مخالفت روحانیان، درگیر بودن حکومت با شورشهای عشایری سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و نیز وقوع شورشهایی در افغانستان که منجر به عزل امان‌الله خان شد.

#### رسائل و کتابها

تبلیغات غربگرایان به شود بی‌حجابی موجب شد که برخی از علما به دفاع از حکم اسلامی حجاب بپردازند.<sup>۴</sup> از جمله آثاری که در سالهای اول حکومت رضاشاه نگاشته شدند، باید از رسالهٔ *وسيلة العفاف یا طومار عفت* یاد کرد که در ابتدای سال ۱۳۰۷ در رشت منتشر شد. نویسندهٔ این رساله، حاج شیخ یوسف نجفی جیلانی، وجوب حجاب را مورد تأکید قرار داد و علاوه بر ادلهٔ شرعی به سخنان دانشمندان غربی مخالف فساد و

۴. در این زمینه پیش از سلطنت رضا شاه نیز رسائلی نگاشته شده اما به لحاظ محدودهٔ زمانی این بررسی از ذکر آنها خودداری می‌شود.

بی‌بندوباری استاد جست و مخصوصاً نوشت:

نگارنده با اینکه اهل حل و عقد نیستم و چندان مرجعیتی ندارم اگر در هفته سه یا چهار قضیه در محضر احقر طرح شود دو قسمت آن راجع به نوامیس و اعراض و رفتن شرف و ریختن آبروی مسلمین خواهد بود. اگر مأمون از ... بودم و یا مأذون از شرح انور و یا وزارت | معارف اجازه نشر می‌داد آن وقت مفاسد امروزه را که از ... حالیه تولید شده می‌گفتم و می‌نوشتیم تا خواننده بداند و بفهمد که چه معایب و مفاسد شرم‌آور از همین اندازه آزادی نسوان به ظهور و بروز آمده که نه ایران بلکه اسلام را ننگین و سر به زیر نموده است.<sup>۵</sup>

شیخ یوسف جیلانی، که در آغاز سلطنت پهلوی به دلیل اعتراضات شدید به دستگاه حکومتی مدتی زندانی و تبعید شد، در این کتاب با جریان فرهنگی مورد حمایت حکومت رضاشاه به مقابله برخاست. انتقادات او به اوضاع نابسامان اجتماعی و به‌ویژه علیه ازدیاد فواحش و برخوردهای ناشایست نظمیّه بود. او دربارهٔ روند بی‌عفتی، که از مدارس ابتدایی آغاز شده بود، می‌نوشت:

با صدای رسا که صفحهٔ ایران را پر کند می‌گویم: ای پدران! ای مادران! دخترهایتان را در حال کوچکی پاکدامنی و عفت بیاموزید و آنها را سر برهنه و با بداخلاقی و با فرم شهوت‌خیز به مدرسه‌ای که نمی‌دانید مؤسس آن کیست نفرستید و به مدرسه هم که فرستادید تا معلمات را اختیار ننموده و حقایق آنها را نسنجیده و دیانت آنها را احراز نکرده‌اید، اطفالتان را به دست ایشان مسپارید.<sup>۶</sup>

به دنبال تشدید تبلیغات ضد حجاب، علما به نگارش کتابها و رسائلی در توضیح حکمت این حکم اسلامی برآمدند و واجب بودن حجاب را از دیدگاه قرآن و روایات استدلال کردند. در زیر به چند عنوان از این‌گونه کتابها و رساله‌ها اشاره می‌شود:

۱. رساله در حجاب، تألیف شیخ محمدکاظم بن محمدسعید، ۱۳۴۵ ق در تهران؛
۲. رساله الحجاب، تألیف سیدفاضل هاشمی بروجردی همدانی، ۱۳۴۶ ق در کرمانشاه؛
۳. حکمة الحجاب و ادلة وجوب النقاب، مؤلف نامعلوم، ۱۳۴۹ ق در تهران؛
۴. ردکشف حجاب و وجوب حجاب به حکم عقل و تصریحات کتاب و سنت، تألیف

۵. حاج شیخ یوسف نجفی جیلانی. وسیلة العنایف یا طومار عفت. رشت، فردوس، ۱۳۴۵ ق، ص ۱۰۰. لازم به تذکر است که تاریخ انتشار کتاب در پایان آن ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ (اردیبهشت ۱۳۰۷) درج شده است.

۶. همان جا، ص ۱۹۳.

- سید اسدالله خرقانی. ۱۳۵۱ق در تهران؛
۵. رساله حجابیه، تالیف سید علی امامی تفرشی، ۱۳۵۳ق در تهران؛
۶. ترجمه کتاب فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب، تألیف شیخ غلامحسین تهرانی، ترجمه محمدرضا توفیق یزدانی، ۱۳۴۵ق در نجف.<sup>۷</sup>
۷. آیت الله بلادی بوشهری. سدول الجلباب فی وجوب الحجاب، سال ۱۳۱۲ش.
۸. — الماثور من الدین فی تخییر نساء المسلمین (به زبان عربی). سال ۱۳۱۲ش.<sup>۸</sup>
- رسائل و ردیه‌ها در مخالفت با کشف حجاب بیش از اینهاست، ولی از آنجا که تاریخ تالیف همه آنها مشخص نشده، تدوین فهرست جامع نیازمند بررسی دقیقتر است.

### ادامه روند حجاب‌زدایی

حکومت رضاشاه هر چند که نتوانست پس از سالهای اولیه کشف حجاب را در جامعه رسمی سازد، لیکن در جهت عادی‌سازی بی‌حجابی تلاشهای گوناگونی انجام داد. در کنار تبلیغات نشریات در تهران و برخی از شهرهای بزرگ، که گاه از حجاب به‌عنوان «کفن سیاه» یاد می‌کردند، با استفاده از ابزارهایی چون تئاتر و سینما اقدامهایی برای رفع حجاب به عمل آمد. عادی شدن روابط زن و مرد در اماکن عمومی، همچون رستورانها و خیابانها و تئاتر و سینما، البته نه به یکباره و در میان تمامی اقشار بلکه به تدریج و در بین اقشار بالای جامعه به‌ویژه در پایتخت، نشان از تحولی جدید در امر حجاب بود. یکی از راههای ترویج و عادی‌سازی بی‌حجابی، آزاد گذاردن اقلیتهای مذهبی بود که با حمایت نظمیته انجام می‌گرفت و آنان اجازه داشتند آزادانه لباس بپوشند.<sup>۹</sup> در این زمینه اعتراضاتی از جانب علما صورت می‌گرفت. از جمله، مطابق گزارش نظمیته مازندران در خرداد ۱۳۰۹، رفت‌وآمد یک‌زن بی‌حجاب کلیمی در معابر مورد اعتراض علما واقع شد، اما حکومت مازندر آن از عمل این‌زن پشتیبانی کرد و اعتراض علمار اوارد نداشت.<sup>۱۰</sup> در سالهای پیش از سفر رضاشاه به ترکیه موضوع حجاب زنان همچنان در رأس مسائل اجتماعی بود و فشار بین‌المللی نیز در این زمینه وجود داشت. به‌گفته مخبر السلطنه، در یازدهمین مجمع عمومی بین‌الملل که از ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۰ (۸ شهریور ۱۳۰۹) تا ۷ دی ماه به‌طول انجامید و در آن ۸ نخست‌وزیر و ۲۳ وزیر خارجه شرکت

۷. با استفاده از فهرست کتابهای چاپی فارسی، خانیابا مشار.

۸. به نقل از: سیدقاسم یاحسینی. نگاهی به مبارزات و اندیشه‌های آیت‌الله بلادی بوشهری. بوشهر، شروه، ۱۳۷۱ و گفت‌وگوی نگارنده با نویسنده محترم کتاب فوق.

۹. الول ساتن. رضا شاه کبیر یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، بی‌نا، ۱۳۳۵، ص ۳۷۷.

۱۰. خشونت و فرهنگ. اسناد محرمانه کشف حجاب. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱، سندهای شماره ۵۰۷ و ۵۰۸.



جمعی از مقامات دولتی خراسان در مراسم کشف حجاب | ۳۱۹۵ - ۱۱

داشتند، رفتار شرقیان با زنان در دستور کار قرار داشت.<sup>۱۱</sup> در این سال به تشویق رضاشاه زنهای طبقه مرفه ایران در منازل خود لباس اروپایی می‌پوشیدند و عده کمی جرئت می‌کردند بدون حجاب در خیابانها ظاهر شوند.<sup>۱۲</sup> متعاقب فشارهای بین‌المللی، در سال ۱۳۱۰ مجلس شورای ملی قانون ورود کمیسیونیی از طرف جامعه بین‌الملل را، که برای جلوگیری از آنچه «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد، تصویب کرد بدون آنکه اجازه رد داشته باشد.<sup>۱۳</sup> در این سال به دستور شاه تمام زنانی که مایل بودند می‌توانستند چادر را از سرشان بردارند<sup>۱۴</sup> و به‌طور محرمانه توافق شده بود که اگر فردی یا «ملأیی» اعتراض کرد شهربانی از زنان بی‌حجاب حمایت کند.<sup>۱۵</sup> به نوشته روزنامه ملت، چاپ

۱۱. هدایت، همان مأخذ، ص ۴۵۹.

۱۲. محمدرضا پهلوی. *مأموریت برای وطن*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۴۶۴؛ و *الول ساتن*، همان مأخذ، ص ۳۷۷.

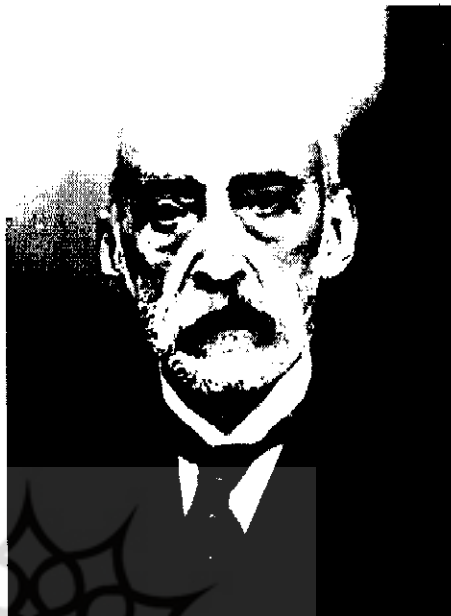
۱۳. هدایت، همان مأخذ، ص ۵۱۰.

۱۴. مریت هاکس. *ایران: افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)*. ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری و احمد نمایی. مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۴.

۱۵. همان مأخذ، ص ۲۰۶؛ بدرالملوک بامداد. *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۷، ص ۹۱.



محمدعلی فروغی | ۲۷۷۶ - ۱۱



مخبر السلطنه هدايت | ۲۷۸۹ - ۱۱

اسلامبول، در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۳۱ (۴ شهریور ۱۳۱۰) شاه ایران نزدیک به پانصد نفر از خانمهای ایرانی را به دربار دعوت کرد و پس از نصیحت از آنها خواست تا چادرهای خود را بردارند؛ و آنان نیز فرمان شاه را با خرسندی پذیرفتند.<sup>۱۶</sup> در سال ۱۳۱۱ با اجازه رضاشاه کنگره اتحاد زنان شرق با حضور نمایندگان ۱۰ کشور در تالار وزارت فرهنگ در مسعودیه تشکیل شد. در این کنگره، که از ۶ تا ۱۱ آذر ۱۳۱۱ به طول انجامید، درباره «ترقیات روزافزون زنهای اروپایی و محرومیتهای زنان کشورهای اسلامی» و لزوم اقدامات جدی از سوی زنان «روشنفکر» بحث و گفت و گو شد.<sup>۱۷</sup> دو سه سال پیش از رسمیت یافتن قطعی کشف حجاب، کارمندان دولت به طور نیمه رسمی تشویق می شدند که خانواده‌های خود را ابالباسهای مدجدیدپوشانند.<sup>۱۸</sup> به گفته مخبر السلطنه، تیمورتاش در یکی از جلسات هیئت دولت، که در آن محدودیت اقلام صادرات و واردات مورد بحث بود، کلاه زنانه را داخل امتعه مجاز کرد که این خود نشانه برنامه جدی به منظور کشف حجاب بود.<sup>۱۹</sup>

۱۶. نظر جرائد و مجلات خارجی درباره رضا شاه. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵، ص ۱۳۰.  
 ۱۷. بامداد، همان مأخذ، ص ۶۰؛ و نیز بنگرید به: روزنامه‌های ایران و اطلاعات مورخ ۷، ۱۲ و ۱۳ آذر ۱۳۱۱.

۱۸. الول ساتن، همان مأخذ، ص ۳۷۷.

۱۹. هدايت، همان مأخذ، ص ۵۱۱.

### سفر ترکیه و نتایج آن

با کنار گذاشته شدن مخبر السلطنه و آغاز نخست‌وزیری مجدد محمدعلی فروغی، از ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ سیاستهای تجددمآبانه شدت یافت. نه ماه پس از آن، سفر رضاشاه به ترکیه (از ۱۲ خرداد تا ۱۴ تیر ۱۳۱۳) نقطه عطفی در قضیه کشف حجاب بود. مخبر السلطنه به درستی رفع حجاب را سوغات سفر آنکارا می‌نامد.<sup>۲۰</sup> سایر دولتمردان حکومت رضاشاه نیز به اهمیت این سفر و تأثیر آن بر روند کشف حجاب اشاره کرده‌اند. عیسی صدیق سفر ترکیه را علت مصمم شدن رضاشاه به اقدام برای کشف حجاب ذکر می‌کند.<sup>۲۱</sup> و صدرالاشراف می‌نویسد: «رضاشاه بعد از این مسافرت در اغلب اوقات، ضمن اشاره به پیشرفت سریع کشور ترکیه، از رفع حجاب زنها و آزادی آنها صحبت و تشویق می‌کرد».<sup>۲۲</sup> به گفته علی‌اصغر حکمت، در یکی از روزهای تیر ماه ۱۳۱۳، در جلسه هیئت وزراء، رضاشاه از او خواست که برای رفع حجاب برنامه‌ریزی کند. و در پی آن حکمت طرحی را به این منظور به مرحله اجرا گذارد.<sup>۲۳</sup> مختلط بودن دختران و پسران در مدارس ابتدایی تا سال چهارم، برپایی جشن در حضور مهمانان مرد به وسیله دختران، حضور وزراء و مأموران عالی‌رتبه همراه با زنان خود در بیرون از خانه و نیز تأسیس «کانون بانوان» از برنامه‌های علی‌اصغر حکمت برای کشف حجاب بود.<sup>۲۴</sup> همزمان، با این قضیه طرح تغییر لباس و پوشش برای مردان نیز به اجرا درآمد. به گفته هدایت: «امر صادر شد که از اول فروردین ۱۳۱۴ مردها کلاه فرنگی [گنی] ابر سر بگذارند و زنها چادر را ترک کنند».<sup>۲۵</sup>

### تشدید عملیات

با آغاز سال ۱۳۱۴ روند فعالیت دولت برای کشف حجاب به اوج رسید. به گفته یکی از زنان تجددمآب این دوره، پس از تعطیلات نوروز ۳۰ تن از بانوان طی یک برنامه هماهنگ بدون چادر در خیابانهای تهران حضور یافتند. اینان از حمایت کامل دولت برخوردار بودند.<sup>۲۶</sup>

۲۰. همان، ص ۵۱۶.

۲۱. عیسی صدیق، یادگار عمر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲۲. محسن صدر، خاطرات صدرالاشراف، تهران، وحید، ۱۳۶۴، ص ۳۰۲.

۲۳. علی‌اصغر حکمت، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، وحید، ۱۳۵۵، ص ۸۸.

۲۴. ابراهیم صفایی، رضاشاه کبیر در آئینه خاطرات، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵، ص ۱۰۲.

۲۵. هدایت، همان، ص ۵۱۹.

۲۶. مصاحبه با هاجر تربیت، روزنامه خراسان، ص ۱۵، ش ۴۱۱۹ (۷ مهر ۱۳۴۲).



در فروردین ۱۳۱۴ (ظاهراً ۱۳ فروردین) مطابق طرح علی‌اصغر حکمت، در مجلس جشنی در یکی از مدارس شیراز دختران به صف ایستاده پس از خواندن دکلمه و سرود به ورزش ژیمناستیک مشغول شدند. به طوری که گفته شده دو تن از روحانیان شیراز، محمدعلی حکیم و میرزا صدرالدین محلاتی، در اعتراض به این اقدام، مجلس مذکور را ترک گفتند و پس از آن سید حسام‌الدین فال اسیری، از روحانیان سرشناس شیراز، در یک سخنرانی به این اقدام اعتراض نمود<sup>۲۷</sup> که به دنبال آن دستگیر و تبعید شد.

در اردیبهشت ۱۳۱۴ با گردهمایی بانوان تجددخواه به دعوت وزیر معارف، «کانون بانوان» تشکیل شد.<sup>۲۸</sup> در این کانون سخنرانی‌هایی درباره آزادی زنان انجام می‌شد. در اوایل خرداد ۱۳۱۴ رضا شاه با احضار هیئت دولت صریحاً اظهار داشت: ما باید صورتاً و ستاً غربی شویم. باید در قدم اول کلاهها تبدیل به شاپو بشود و در مجالس کلاه را به عادت غربیها باید بردارند و نیز باید شروع به رفع حجاب زنها نمایند و چون برای عامه مردم دفعاً مشکل است، وزرا و معاونان باید پیشقدم شوند و هفته‌ای یکبار با خانمهای خود در کلوب ایران مجتمع شوند. شاه همچنین به حکمت دستور داد که در مدارس دخترانه، معلم و شاگردان باید بدون حجاب باشند و در صورت امتناع آنان را به مدارس راه ندهند.<sup>۲۹</sup> در این زمان اعضای خانواده سلطنتی به طور علنی ترک حجاب کرده بودند. به گزارش یکی از نشریات خارجی (مورخ ۲۹ مه ۱۹۳۵/۷ خرداد ۱۳۱۴) دختران بزرگ شاه به فرمان پدر، چادر از سر برداشته و گاهی با همراهان خود سوار بر اسب در خیابانهای تهران گردش می‌کردند.<sup>۳۰</sup>

گسترش برنامه‌های بی‌حجابی، روحانیان و توده‌های مردم را سخت نگران ساخت. مسلم بود که آنان در بدو امر از تمامی جریانات و برنامه‌های حکومت آگاهی کامل نداشتند و احتمالاً تعدادی از آنان، با توجه به تظاهرات مذهبی رضاشاه در گذشته، شخص شاه را بری از این اقدامات می‌دانستند. برای نمونه، سید حسام‌الدین فال‌اسیری در اعتراض به برگزاری جشن در شیراز اظهار داشته بود که شاه راضی به این قضایا نیست<sup>۳۱</sup> و یکی از علمای شهر تلگرافی برای شاه فرستاد و از وزیر معارف شکایت کرد.<sup>۳۲</sup> معهداً، ادامه برنامه‌های تبلیغ و تشویق بی‌حجابی و سخنان جسته و گریخته دال بر تأیید

۲۷. سینا واحد. قیام گوه‌رشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۲۸. حکمت، همان، ص ۸۹، روزنامه خراسان، همان جا.

۲۹. صدر، همان، ص ۳۰۲.

۳۰. فتح‌الله نوری اسفندیاری. رستاخیز ایران؛ مدارک، مقالات و نگارشات خارجی ۱۲۹۹ - ۱۳۲۳.

بی‌نا، ۱۳۳۵، ص ۷۱۶.

۳۱. سینا واحد. همان مأخذ، ص ۱۴۱.

۳۲. حکمت، همان، ص ۹۰.

شاه، روحانیان طراز اول را بیمناک ساخت. به طور مثال، در مراسم جشنی در تهران، حکمت تصریح کرد که اقدامات انجام گرفته در شیراز خودسرانه نبوده و رأی شاه است که کشف حجاب صورت پذیرد.

### واکنش آیات عظام

انعکاس اخبار بی‌حجابی و به‌ویژه اخبار شیراز در نشریات و یا به وسیله طبقات مختلف مردم به مراجع بزرگ قم و مشهد، آنان را به تکاپو واداشت. در مشهد این قصه سر دراز داشت. گفته می‌شود که، همزمان با جشن شیراز، در دبیرستان فردوسی مشهد نیز جشنی با حضور رضاشاه برگزار شد که در مراسم استقبال از شاه دختران بی‌حجاب شرکت داشتند. اما پس از اظهار نگرانی علما و مردم، به‌ویژه اظهار انزجار آیت‌الله قمی، شاه خود را بی‌اطلاع از برنامه قلمداد کرد و شخصاً رئیس شهربانی مشهد را مورد ضرب و شتم قرار داد.<sup>۳۳</sup> پس از اطلاع از موافقت شاه با برنامه‌های بی‌حجابی، آیت‌الله قمی ضمن نطقی گریست و گفت: «اسلام فدایی می‌خواهد و بر مردم است که قیام کنند و من حاضرم فدا بشوم».<sup>۳۴</sup> به دنبال سخنان وی علما و اصناف مشهد با مخبره تلگرافهایی مراتب خشم و انزجار خود را از این اقدام ضداسلامی ابراز داشتند.<sup>۳۵</sup>

به‌رغم مذهبی بودن شهر مقدس مشهد، حکومت رضاشاه سعی داشت که برنامه‌های ضداسلامی خود را از همین شهر آغاز کند. به گفته عیسی صدیق، رضاشاه پس از بازگشت از ترکیه دستور داد در شبکه جیها در مشهد و سپوران در تهران کلاه شاپو بر سر بگذارند.<sup>۳۶</sup> اجرای این برنامه از ابتدای خرداد ۱۳۱۴ علاوه بر شایعات مربوط به کشف حجاب، در مشهد تلاطمی ایجاد کرد. سرانجام، آیت‌الله قمی، پس از مشورت با تعدادی از رجال و روحانیان، تصمیم گرفت که برای جلوگیری از کشف حجاب و استعمال کلاه شاپو به تهران مسافرت کند و با رضاشاه گفت‌وگو نماید. این سفر در ۹ تیر ماه ۱۳۱۴ انجام گرفت. در اهمیت سفر آیت‌الله قمی باید خاطر نشان کرد که وی از جمله علمایی بود که در هنگام سفرهای شاه به مشهد به استقبال او نمی‌رفت<sup>۳۷</sup> و محاصره منزل محل اقامت وی در شهر ری به وسیله حکومت یکی از عوامل عمده خشم و خروش

۳۳. چهره‌ای پر فروغ از مشعلداران اسلام و فقاہت و انقلاب؛ یادواره آیت‌الله‌العظمی شیرازی. تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی امام امیرالمومنین، ۱۳۶۴، ص ۷۲.

۳۴. همان، ص ۷۷؛ سینا واحد، ص ۱۴۱.

۳۵. همان جا.

۳۶. صدیق، همان، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳۷. از جمله بنگرید به: خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفرقلی خان امیربهادر). به کوشش ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۷۲، ص ۱۸۶.



آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری [۸۰۳-۱۲]

مردم مشهد گردید که به کشتار بیرحمانه در مسجد گوهرشاد در ۲۱ تیر ماه منجر شد. آیت‌الله قمی مدتی پس از این کشتار به عتبات عالیات تبعید گردید. واکنش دیگر در مخالفت با سیاستهای دولت در مورد کشف حجاب، که از اهمیت تاریخی خاصی برخوردار است، تلگراف آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، زعیم و مؤسس حوزه علمیه قم، بود که ایشان در ۱۱ تیر ۱۳۱۴ تلگرافی به رضاشاه ارسال داشت و در آن با صراحت اعلام نمود:

... احقر همیشه تعالی و ترقی دولت علیه را منظور داشته و اهم مقاصد می‌دانسته؛ فعلاً هم به همین نظر عرضه می‌دارد؛ اوضاع حاضر که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری (ع) است موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است. البته بر ذات ملوکانه که امروزه حامی و عهده‌دار نوامیس اسلامی هستید حتم و لازم است که جلوگیری فرمایید...<sup>۳۸</sup>

۳۸. سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۷ - ۱۱۶۰۰۱، پاکت ۱۹۸.

شماره ۲۶۰		وزارت پست و تلگراف و تلفن		شماره ۱۲۱	
تلگراف					
شماره سند	تاریخ سند	تاریخ رسید	تاریخ ارسال	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۸۸۷	۱۱/۱۰/۱۳۱۴	۱۱	۱۱	۱۱	۲
شماره تلگراف	شماره سند	تاریخ سند	تاریخ رسید	تاریخ ارسال	اسم گیرنده
۱۱۴	۱۰۴	۱۱	۱۱	۱۱	۲

حضرت آیت الله حائری با این برادر لاکه به راه قدم در غیر این شهر پذیرفته بود  
 که آن شهر نیز تا آن زمان در دست غیر از منور داشته و این تمام خبر نیست بلکه  
 همین نوع غیر منبسط در ارضای خاطر که بر طرف تر دین شریک می شود  
 منبر علی است که به موجب شرائع اهل و علم منبر است البته بر ذات که  
 که امروزه عالم و مردم در این اسلام بر تیدم و لازم است که دیگر بر زبان  
 علم اهل ایران که منبر با این فکر زنده بود است این منظر است  
 و علم است شکر باشد این بر علم کرم مدیر

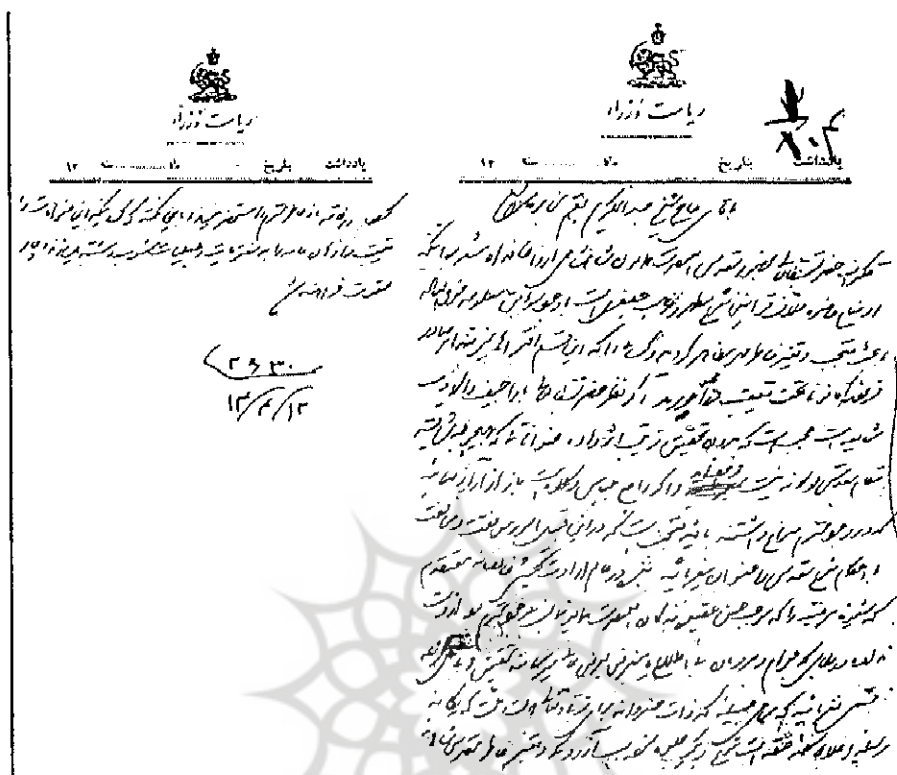
در روز کاتب است  
 تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۱۱  
 شماره ۲

تلگراف آیت الله شیخ عبدالکریم حائری به رضاشاه در مورد کشف حجاب به تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۱۴

تلگراف آیت الله حائری، با توجه به سیاست مدارا و تقیه از سوی ایشان، برای رضاشاه غیرمنتظره بود. لذا، رئیس الوزرا (فروغی) در پاسخ ۱۲ تیر ۱۳۱۴ خود، با اشاره به تعجب و تغییر شاه از تلگراف مذکور، به انکار اقدامات خلاف شرع پرداخت و از آنجا که در تلگراف آیت الله حائری اشاره به مصادیق اقدامات دولت نشده بود، چنین خاطر نشان ساخت:

... اگر نظر حضرت مستطاب عالی به اراجیف و اکاذیب شایعه [در مورد کشف حجاب] است عجب است که بدون تحقیق ترتیب اثر داده عنواناتی که به هیچ وجه شایسته مقام مقدس ملوکانه نیست فرموده‌اید؛ و اگر راجع به لباس و کلاه است، باز از آراء صائبه که در وجود محترم سراغ داشتند مایه تعجب است که در این قبیل امور موافقت و مخالفت با احکام شرع مقدس را عنوان می فرمایید ...<sup>۳۹</sup>

۳۹. همان جا.



باسخ رئیس الوزرا (فوغی) به تلگراف آیت الله حائری به تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۱۴

به این ترتیب، شاه و رئیس الوزرا از اظهار نظر صریح در مورد کشف حجاب خودداری کردند، اما رضاشاه با حضور در منزل آیت الله حائری با ارباب و تهدید صراحتاً اعلام کرد که چون در کشور ترکیه کشف حجاب شده و به اروپا ملحق گردیده در ایران نیز باید کشف حجاب صورت گیرد. به دنبال آن عده‌ای از روحانیان به جرم تحریک آیت الله حائری تبعید شدند،<sup>۴۰</sup> همان گونه که پس از سرکوبی قیام گوهرشاد عده زیادی از روحانیان، که چهره‌های سرشناسی چون آیت الله سید یونس اردبیلی در میان آنان بودند، دستگیر، تبعید یا زندانی شدند. از جمله چهره‌های سرشناس روحانیت که پس از واقعه گوهرشاد، تحت آزار و اذیت قرار گرفت آیت الله میرزا محمد آقازاده بود که با پرونده‌سازی به محاکمه سپرده شد و فقط زمانی از اعدام رهایی یافت که علمای نجف، از جمله میرزا مهدی برادرش، وساطت کردند. گفته شده که رضاشاه از آقازاده

۴۰. این افراد عبارت بودند از شیخ حسین قمی، علی اصغر سلامت، شیخ مهدی مازندرانی و حاج میرزا خلیل کمره‌ای (باد، سال ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۶۸، ص ۱۶۱).

خواسته بود که کشف حجاب را جایز بداند تا آزاد شود و به موقعیت سابق در خراسان بازگردد، لیکن او نپذیرفت<sup>۴۱</sup> و سرانجام در دی ماه ۱۳۱۶ به وسیله پزشک احمدی به شهادت رسید. به هر حال، تبعید آیت‌الله قمی به عتبات، هتک حرمت زعیم حوزه علمیه قم و محبوس و تبعید کردن بسیاری از علما تاوانی بود که روحانیون حتی پیش از رسمیت یافتن کشف حجاب پرداختند.

### مقاومتها و مخالفتها

سرکوب قیام گوهرشاد اگرچه میزان اختناق حاکم بر جامعه را افزایش داد، لیکن هنوز هم روحانیان مهمترین گروه مخالف کشف حجاب شمرده می‌شدند و مانع جدی در این راه قلمداد می‌گردیدند. از این رو حتی در آستانه رسمیت یافتن واقعه ۱۷ دی ۱۳۱۴ و اندکی پس از آن در متحدالمال (بخشنامه)های دولتی صریحاً عنوان شده که چنانچه روحانیان اظهاراتی بر ضد کشف حجاب بنمایند فوراً به وسیله شهربانی دستگیر و مجازات شوند.<sup>۴۲</sup>

به دلیل مغایرت بی‌حجابی با اصول مسلم شرعی، علما کمابیش به‌طور یکپارچه با این اقدام مخالف بودند، ولی ابراز مخالفت آنان گاه به‌طور علنی و گاه به‌صورت مبارزه منفی بود. در ذیل به بررسی انواع واکنش علما در برخورد با پدیده کشف حجاب می‌پردازیم:

درباره واکنش علمای طراز اول، به تلگراف آیت‌الله حائری اشاره شد. وی پس از رسمیت یافتن کشف حجاب به مبارزه منفی با آن پرداخت و از آنجا که مسئله حمام رفتن زنان مشکل بزرگی بود که آنان را با نیروهای انتظامی رژیم رویارو می‌ساخت، آیت‌الله حائری زیرزمین خانه خود را به گرمابه تبدیل کرد و آن را به استفاده زنان خانواده و بستگان اختصاص داد.<sup>۴۳</sup>

بنابر اقوال شاهدان و برخی از اسناد موجود، مخالفت علما با کشف حجاب پیش از رسمیت یافتن آن و یا مدت کمی پس از آن منجر به حبس و تبعید آنان گردید. از روحانیانی که مخالفت آنها به تبعید انجامید روحانیون تبریز از جمله

۴۱. سینا واحد، ص ۱۱۶، ۲۰۷.

۴۲. خشونت و فرهنگ، اسناد شماره ۱، ۴، ۵، ۱۱۹، ۳۲۹ و ۴۶۴ تا ۴۶۸ به تاریخهای آذر و دی ۱۳۱۴؛ همچنین: واقعه کشف حجاب: اسناد منتشر نشده کشف حجاب در عصر رضا خان. تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، اسناد شماره ۳۰، ۴۰، ۸۸ به تاریخهای آذر و دی ۱۳۱۴ و فروردین ۱۳۱۵.

۴۳. عبدالهادی حائری. آنچه گذشت: نقشی از نیم قرن تکاپو. تهران، معین، ۱۳۷۲، ص ۱۵-۱۶.

حجج اسلام سید جواد خامنه‌ای و سید مرتضی خسروشاهی هستند.<sup>۴۴</sup>

پس از رسمیت بی‌حجابی دولت کوشید تا عده‌ای از علمای سرشناس را وادار کند که در مجالس و جشنهای بی‌حجابی حضور یابند یا با تأیید خود آن را مجاز بدانند، ولی اکثر آنان از این کار سرباز زدند. به‌طور مثال، آیت‌الله کاشانی در پاسخ به چنین پیشنهادی به شدت با مأموران برخورد کرد.<sup>۴۵</sup> از دیگر علمای سرشناس تهران که از شرکت در مجالس جشن بی‌حجابی خودداری کردند می‌توان به شیخ علی مدرس تهرانی، شریعتمدار رشتی، و امام جمعه تهران اشاره کرد.<sup>۴۶</sup> حاج سید محمد امام جمعه تهران با مخالفت خود محبوبیت خاصی در تهران و بلکه در ایران پیدا کرد زیرا گفته بود: اگر کشته شوم عیالم را بی‌حجاب در مجلس جشن بی‌حجابی نمی‌برم.<sup>۴۷</sup>

نمی‌توان انکار کرد که در میان روحانیان کسانی در مجالس بی‌حجابی شرکت کردند، ولی تعدادشان اندک بود. همچنین درستی اسناد به‌جا مانده از این واقعه مبنی بر حضور تعدادی از روحانیان در این گونه مجالس و مراسم مورد تردید و بعضاً خلاف واقع است و حتی در بعضی موارد نسبت به افرادی بزرگ‌نمایی شده است. امام خمینی (ره) نیز به جنبه دیگری از این موضوع اشاره کرده‌اند:

[برای شرکت در مجالس جشن بی‌حجابی] پیش علمای شهرها می‌رفتند [و] می‌گفتند [شرکت کنید]. هر کدام ضعیف بودند و ضعیف‌القلب بودند، شرکت می‌کردند و هر کدام قوی بودند [شرکت] نمی‌کردند.<sup>۴۸</sup>

حضور برخی از روحانیان در مجالس فوق‌گناه همراه با تقیه بود. مثلاً گفته شده که در کشف حجاب کرمان آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا کرمانی پس از آنکه مجبور به سخنرانی در مسجد شد، به‌گونه‌ای سخن گفت، و حتی در خلال سخنانش آیات حجاب را هم قرائت کرد، که نه بهانه‌ای به دست عمال رژیم بدهد و نه ابراز مخالفت جدی کرده باشد.<sup>۴۹</sup> در کنار این رویه، بودند علمایی که به هیچ‌وجه تقیه را در این قضیه مجاز نمی‌شمردند. سید محمود امام جمعه زنجان در زمره این افراد بود که در نامه‌ای به یکی از منسوبان خود در زنجان سفارش اکید می‌کرد که: «مبادا یک وقتی بترسی و از باب تفسیر

۴۴. به نقل از: گفتگو نگارنده با حجت‌الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی.

۴۵. امام خمینی. صحیفه نور. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱۳، ص ۶۸، ۱۵۱ و ۱۵۲.

۴۶. محمدحسین حسینی طهرانی. وظیفه فرد مسلمان در احیای حکومت اسلام. مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷ - ۳۱.

۴۷. محمد شریف‌رازی. آثار الحججه. قم، دارالکتاب، ۱۳۳۲، ص ۸۵.

۴۸. امام خمینی، همان، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

۴۹. به نقل از: گفتگو نگارنده با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی.

غلط تقیه در مجالس جشن حاضر گردی».

او پس از لو رفتن نامه و احضار و مورد بازجویی قرار گرفتن از خود ایستادگی نشان داد و نگارش نامه را حکم وظیفه دینی دانست. پس از اهانت زیاد، حکم تبعید وی به کاشان صادر گردید که البته از این کار منصرف شدند.<sup>۵۰</sup>

داستان فوق نشانه آن است که روحانیان عمدتاً نه تنها خود از شرکت در مجالس بی حجابی خودداری می‌کردند بلکه دیگران را نیز از این کار منع می‌نمودند. چنانکه نقل شده که آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، از علمای سرشناس قم، به افسری که نگرانی خود را از شرکت در مجالس جشن ابراز داشته بود توصیه کرد که استعفا بدهد.<sup>۵۱</sup> همچنین آیت‌الله حاجت کوه‌کمری از مراجع و اساتید مبرز قم در تلگرافی که البته تاریخ آن روشن نیست خطاب به آیت‌الله بهبهانی از او خواست که به اولیای امور یادآور شود: در بلاد اسلامی امری که مخالفت آن از جهاتی با شریعت مقدسه محرز است اجرای آن غیرممکن است و تولید مفساد خواهد نمود.<sup>۵۲</sup>

در سالهای اخیر با انتشار اسناد مربوط به کشف حجاب، مخالفت‌های روحانیان مستندتر شده است. البته اسناد موجود در این زمینه، به‌سان سایر رویدادهای تاریخی، بازگوکننده تمام و کمال نقشها و واکنشها نیستند، با وجود این آنچه تاکنون ارائه شده حائز اهمیت بسیار است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در سندی به تاریخ اول بهمن ۱۳۱۴ حکومت سبزوار با ارسال گزارش نظمیه آن‌جا اطلاع داده که شیخ محمود پیشنماز مسجد جامع این شهر اظهاراتی برضد رفع حجاب نموده است. طبق این سند، از حکومت سبزوار خواسته شده فوراً آخوند سزبور را دستگیر کرده و عنداللزوم شبانه تبعید نمایند.<sup>۵۳</sup>

در گزارشی از حکومت مازندران به وزارت داخله به تاریخ ۷ بهمن ۱۳۱۴، در پی ابلاغ به روحانیان برای آمدن به خیابان به همراه همسران خویش نقل شده است عده‌ای از آنان از این روز به دهات اطراف رفتند و به این نحو از دستور حکومت سرپاز زدند.<sup>۵۴</sup> مبارزه منفی روحانیان حتی منجر به مهاجرت آنان به خارج از کشور نیز شد و برخی از آنان به عتبات عالیات و شهرهای عراق رهسپار شدند.<sup>۵۵</sup>

۵۰. حوزه، ش ۲۳، آذر و دی ۱۳۶۶، ص ۴۸ - ۴۹.

۵۱. حکایت کشف حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳.

۵۲. نک: عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی، قم، نویداسلام، ۱۳۵۹، ص ۶۲.

۵۳. واقعه کشف حجاب، سند شماره ۶۱.

۵۴. خشونت و فرهنگ، سند شماره ۵۱۱.

۵۵. سینا واحد، ص ۱۵۸ - ۱۶۱ (خطرات آیت‌الله سید عبدالله شیرازی).



از سال ۱۳۱۵ با افزایش مراسم و جشنهای بی‌حجابی، بعضی از واعظان از هر فرصتی برای ابراز مخالفت با کشف حجاب استفاده می‌کردند. در فروردین ۱۳۱۵ فردی به نام ربّانی واعظ به جرم آنکه در مجلس روضه‌خوانی اظهار داشته بود: «بازبودن دست و صورت نسوان شرعاً عیب ندارد ولی نمایان بودن موی سر آنها خلاف شرع است» دستگیر و از بم به کرمان تبعید شد.<sup>۵۶</sup>

سیاست حکومت رضاشاه در این زمان، علاوه بر کشف حجاب، تقلیل و کاهش روحانیان غیردولتی از طریق اجرای شدید طرح متحدالشکل شدن لباس بود. از اینرو، مخالفت‌های روحانیان در این زمان شامل هر دو موضوع تغییر لباس و کشف حجاب می‌شد. در تیرماه ۱۳۱۵ در قم طلبه‌ای به نام سید حسن، موقعی که برای متحدالشکل شدن احضار شده بود، در مدرسه فیضیه بنای داد و فریاد را گذاشت و عده‌ای را دور خود جمع کرد و در بین راه به بانوان اظهار می‌داشت که روی خود را بگیرند. او به موجب ابلاغیه دفتر مخصوص شاهنشاهی توقیف شد.<sup>۵۷</sup>

در این زمان، بسیاری از روحانیان و واعظان تحت تعقیب قرار گرفته، زندانی یا تبعید شدند. مطابق سندی به تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۱۵، سید محمد زارچی واعظ پس از اینکه در بالای منبر گفته بود «زنهار! روبنده‌ها را پایین بیندازید»، مورد تعقیب قرار گرفت و از یزد به کرمان تبعید شد. مجدداً او را به یزد بازگرداندند و در زندان شهربانی به زندان انداختند.<sup>۵۸</sup> وزارت داخله در گزارش ۳ شهریور ۱۳۱۵ به ریاست وزرا صورت اسامی اشخاصی را که در ماجرای تغییر لباس و کشف حجاب تبعید شده‌اند ارسال داشته و تأکید کرده که از سایر تبعیدشدگان ولایات صورت کاملی در دست نیست. براساس این گزارش، سید محمد دعایی رازچی - یا زارچی یادشده - از کرمان به یزد، شیخ عباس افتخاری از رفسنجان به کرمان، سید ابراهیم مساوات از یرازجان به کرمان، شیخ محمود شریعت از مشهد به طبس، سید صادق خطیب از مشهد به نیشابور، میرزامسیح از مشهد به میامی، سید حسام‌الدین فال‌اسیری - که قبلاً از او یاد کردیم - از شیراز به مشهد تبعید شده‌اند. شیخ حسین ناطق نیز در شهربانی مشهد توقیف بود.<sup>۵۹</sup> به پیوست گزارش ۳۰ مهر ۱۳۱۵ اداره کل شهربانی به ریاست وزرا شامل صورت اسامی تبعیدشدگان ارسال شد. فهرست در اسناد منتشر شده یافت نشد. بر اساس این گزارش، ربّانی واعظ از بم، سید مصطفی رئیس‌الذکرین از گرگان، شیخ فضل‌الله و شیخ مهدی از شیراز به محل‌های خود

۵۶. واقعه کشف حجاب، سند شماره ۱۰۵.

۵۷. همان، سند شماره ۱۲۵.

۵۸. خشونت و فرهنگ، سند شماره ۵۵۴.

۵۹. همان، سند شماره ۳۲.

عودت کرده‌اند.<sup>۶۰</sup> در گزارش دیگری به تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۵ شیخ علی دشتبازی در قاینات، نسوان محل را برخلاف اتحاد لباس تحریک و تشویق می‌نمود. لذا دستور تبعید وی به قوچان داده شد.<sup>۶۱</sup>

بدیهی است که پیشرفت امر کشف حجاب بستگی تام و کامل به اعمال قدرت حکومت و همراهی و نحوه عمل مأموران داشت، در غیر این صورت با موانع جدی روبه‌رو می‌شد. در سندی به تاریخ ۷ دی ۱۳۱۵ از سوی والی خراسان چنین تصریح شده: با [وجود] دستورات اکیدی که راجع به پیشرفت نهضت بانوان و اتحاد شکل صادر شده، معهداً طبق اطلاع صحیحی که رسیده ... آخوندهای حکم‌آباد همه در لباسهای آخوندی و زنها در چادر و سایر اشخاص با لباس قدیمی هستند، به طوری که اگر شخصی به محل مزبور وارد شود گمان می‌کند اهالی آنجا ایرانی نیستند.<sup>۶۲</sup>

با دستورهای اکید حکومت و شدت عمل مأموران، که گاه تا تعقیب زنان در منازل و جست‌وجو در صندوقخانه‌ها و پاره کردن چادرها کشیده می‌شد، و نیز تشدید سیاست تغییر لباس مردان، بسیاری از روحانیان خانه‌نشین شدند و رفت‌وآمدهای خانواده‌های آنان نیز به خارج از منزل بسیار محدود شد و اکثراً در شب و در تاریکی صورت می‌گرفت. معهداً، مخالفت‌های روحانیان همچنان ادامه داشت. طبق گزارشی به تاریخ ۲ خرداد ۱۳۱۶ حاجی میرزا علی‌واعظ بر بالای منبر «برخلاف مصالح کشور» سخنانی گفته بود.<sup>۶۳</sup> در شهرستان هریس، طبق گزارش مورخ ۲ بهمن ۱۳۱۶، نزدیک به ۱۵ نفر از معتمدان «مانع ترقیات بودند» و بدین لحاظ موضوع تجدیدنسوان ابدآدره‌ریس عملی نشده بود.<sup>۶۴</sup> برخی از روحانیان حتی در اوج اختناق و خفقان نیز وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را از یاد نمی‌بردند. برای نمونه، طبق گزارشی به تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۱۷ در سبزوار میرزا محمد آخوند به زن رئیس کارخانه پنبه، که بدون حجاب بود، اعتراض کرد؛ که دستور احضار وی صادر شد.<sup>۶۵</sup> در دهکده باشتین نیز فردی به نام ملا قربان، علاوه بر اینکه خانواده خود را از کشف حجاب منع کرده بود، از کشف حجاب سایر زنان نیز ممانعت می‌کرد.<sup>۶۶</sup> در زندگینامه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی آورده شده که وی در برابر

۶۰. همان، سند شماره ۳۴.

۶۱. همان، سند شماره ۲۵۸.

۶۲. همان، سند شماره ۳۲۷؛ واقعه کشف حجاب، سند شماره ۱۵۴.

۶۳. خشونت و فرهنگ، سند شماره ۱۴۳.

۶۴. همان، سند شماره ۶۴؛ واقعه کشف حجاب، سند شماره ۱۶۹.

۶۵. خشونت و فرهنگ، سند شماره ۲۱۵.

۶۶. همان، سندهای شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.

رئیس پلیس قم، که در حرم حضرت معصومه (س) قصد داشت حجاب زنی را برگیرد، ایستادگی کرد و سیلی محکمی به او زد. رئیس پلیس، که سخت از این سیلی یکه خورده بود، وی را تهدید به قتل کرد، اما روز بعد در بازار قسمتی از سقف بر سرش فرو ریخت و در دم هلاک شد. این امر باعث شد که ماجرا را از کرامات آقای مرعشی نجفی به شمار می‌آوردند.<sup>۶۷</sup> در زندگی آیت‌الله سید محمود طالقانی نیز آمده که در سال ۱۳۱۸ به علت درگیری با پاسبانی که به اجبار قصد برداشتن چادر زنی را داشت به زندان افتاد.<sup>۶۸</sup> تا اواخر فروردین ۱۳۱۸ در دشتستان و برازجان با «تفذات محلی و وجود اسماعیل نام»، که از علمای آنجا بوده اقداماتی از حیث رفع حجاب میسر نشده بود.<sup>۶۹</sup> طبق گزارشی از شهرستان یزد به تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۱۸ واعظی به نام حسین بالای منبر رفته و بر ضد کشف حجاب و لباس متحدالشکل نطق کرده بود.<sup>۷۰</sup>

با سقوط رضاشاه به دلیل ناتوانی حکومت و نیز برخی ملاحظات دیگر سختگیری در مورد حجاب نیز به بوته فراموشی سپرده شد و دولت جدید تحت فشار اعتراضات روحانیان و خواست عمومی، زنان را در انتخاب حجاب آزاد گذارد.

### حاصل سخن

اقدامات و واکنش‌های روحانیان در مخالفت با کشف حجاب در دوران رضاشاه را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. به‌طور کلی علما، به‌رغم سلیقه‌های گوناگون و دوری و نزدیکی به امور سیاسی، به‌طور نسبتاً یکپارچه با کشف حجاب مخالفت کردند.
۲. روحانیان با انتشار کتابها و رسائلی به توضیح و تبیین حکم شرعی حجاب پرداختند.
۳. مراجع تقلید در مبارزه با کشف حجاب تکاپوی جدی کردند. حاج آقا حسین قمی،

۶۷. بنگرید به: علی رفیعی. بر سبغ نور: گوشه‌هایی از زندگی و وصیتنامه الهی - اخلاقی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره). قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۳، ص ۷۷.

۶۸. یادنامه ابوزر زمان. تهران، بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی و شرکت انتشار، ۱۳۶۰، ص ۹. در مورد پدر ایشان، مرحوم حجت‌الاسلام سید ابوالحسن طالقانی (متوفی ۱۳۱۱ش) نیز گفته شده که به دلیل اعتراض به اقدامات ضد اسلامی حکومت رضاشاه، به ویژه کشف حجاب، مکرراً به زندان افتاد و یا به نقاط دور دست تبعید شد. بنگرید به: سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ که‌بریج، ترجمه عباس مخبر. تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۴۱.

۶۹. خشونت و فرهنگ، سند شماره ۱۳۱؛ واقعه کشف حجاب، سند شماره ۲۸۲.

۷۰. همان، سند شماره ۵۷۵.

- از مراجع تقلید خطه خراسان، با مهاجرت به تهران (حدود ۹ تیر ۱۳۱۴) و شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس و زعیم حوزه علمیه قم، با ارسال تلگراف به شاه (۱۱ تیر ۱۳۱۴) خواستار جلوگیری از کشف حجاب شدند.
۴. مدت کوتاهی پس از واکنش مراجع بزرگ قم و مشهد، قیام گوهرشاد در ۲۰ و ۲۱ تیر ۱۳۱۴ به وقوع پیوست که یکی از انگیزه‌های اصلی آن مخالفت با کشف حجاب بود. در پی این واقعه، که منجر به کشته و زخمی شدن عده زیادی از مردم شد، بسیاری از علما و روحانیان تبعید و زندانی شدند.
۵. در آستانه رسمی شدن بی‌حجابی، در اسناد موجود، از روحانیان به عنوان مانع اصلی اجرای این سیاست یاد شده است.
۶. در پی رسمیت یافتن کشف حجاب از ۱۷ دی ۱۳۱۴، روحانیان، در مجموع، از شرکت در جشنهای بی‌حجابی خودداری کردند و برای سرپیچی از دستور حکومت به خارج از شهرها گریختند و برخی نیز مجبور به ترک وطن شدند.
۷. روحانیان و وعاظ در نقاط مختلف ایران مانع پیشرفت بی‌حجابی بودند. آنان نه تنها خانواده‌های خود را از این امر برحذر می‌داشتند، بلکه با امر به معروف و نهی از منکر سایرین را نیز به حفظ حجاب تشویق می‌کردند.
۸. معدودی از روحانیان با تقیه به موضوع کشف حجاب برخورد کردند. تعداد معدودی نیز در جشنهای بی‌حجابی شرکت نمودند. در مقابل، بیشتر روحانیان تقیه در این قضیه را جایز نمی‌دانستند. برخی در مخالفت با اقدامات مأموران در مورد زنان محجبه، به‌طور علنی درگیر شدند. ولی به سبب اقتدار حکومت به‌طور عمده مبارزه منفی در دستور کار روحانیان قرار داشت و آنان تمهیداتی را به منظور مقابله با سیاست حکومت اتخاذ کردند.
۹. بجز روحانیان دستگیر شده در قیام گوهرشاد، عده دیگری از آنان در نقاط مختلف ایران به جرم مخالفت با کشف حجاب زندانی یا تبعید شدند.